

به نام خدا

حضرت زینب سلام الله علیها زینت پدر

احد داوری^۱

هاجر جهان‌دیده^۲

خدیجه یزدان‌پناه^۳

چکیده:

بررسی زندگی پربار ائمه و امام زادگان علیهم السلام و بازشناسی سیره آن بزرگواران از ضروریات جامعه بشری می باشد؛ تا رفتارها و منش های آنان به همه ملت‌ها شناسانده شود، و از طریق این الگوهای جامع الهی، راه کمال و سعادت ابدی پیموده شود. در این میان، بررسی سیره شخصیت‌هایی برتر چون حضرت زینب سلام الله علیها همیشه مورد توجه سالکان راه حق و حقیقت بوده است؛ و نیز در منابع بسیاری به شرح وقایع کربلا و شأن پیام آور آن پرداخته شده است؛ در این مقال نیز تلاش بر این بوده است تا با روش توصیفی - تحلیلی، روایات و اخبار مربوط به زندگانی آن بزرگبانو، به ویژه نقش وی به عنوان فرزند خلف امام علی علیه السلام مورد تبیین واقع گردد. حضرت زینب با زندگانی معصوم‌گونه و قهرمانانه خود تعبیر نام خود را رقم زدند. ایشان بانویی والا مقام بودند که همیشه یار و یاور ولایت بودند و به راستی که زینتی بسیار نیکو برای ابو طالب علیه السلام بودند. ایشان در واقعه کربلا و پس از ظهر عاشوری نقش تاریخی خود را ایفاء کردند؛ این بانو سرپرستی کاروان اسیران را برعهده گرفتند. شجاعت زینب سلام الله علیها در دفاع از ولایت، ایراد خطبه های علی وار، سرکوبی و نکوهش دشمن و ابلاغ پیام خونهای پاک کربلا، بسیار ستودنی و بی مانند بود و به راستی که ایشان هم زینت اهل بیت بودند و هم زینت اسلام و هم زینت انسانیت و آزادانگی بودند.

کلیدواژگان: حضرت زینب سلام الله علیها، زینت پدر، تبیین واقعه کربلا، شجاعت و فضل، خطبه های علی گونه.

۱- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن؛ ahaddavari@gmail.com

۲- دانش آموخته کارشناسی رشته علوم قرآن مجید دانشکده علوم قرآنی مراغه؛ hajar2341@chmail.ir

۳- دانش آموخته کارشناسی رشته علوم قرآن مجید دانشکده علوم قرآنی مراغه؛ 1367yazdan@chmail.ir

مقدمه:

انسان به طور فطری خواستار رشد و کمال و هدایت می باشد؛ «اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد، ۶) و معصومین علیهم السلام هم ثقل قرآن کریم، مصباح هدایت و کشتی نجات هستند؛ و جامعه بشری باید در همه دوران و در همه امور از این راهنمایان الهی پیروی کرده و سیره آنان را به عنوان روشن ترین مسلک انتخاب کرده و با عمل به آن، راه حق و صراط مستقیم را بپیماید. شخصیت‌های الهی و امام زادگان شریف نیز به دلیل تربیت الهی و نوشیدن جرعه ادب و معرفت از سرچشمه هدایت، و داشتن زندگانی با فضیلت و پر منقبت، همین نقش هدایتی را بر معده دارند؛ چراکه این بزرگواران معصوم نبوده اند ولی با تقوایی استوار، از گناهان دوری جسته و شبه معصوم زندگی کرده اند؛ از این روی بررسی و تحقیق درباره زندگانی این بزرگواران و آشنایی با سیره رفتاری هر یک از آنان می تواند ما را در دست یابی به الگویی همه جانبه یاری کرده و ما را از سایر فرهنگ ها و الگوهای ناقص بی نیاز نماید.

حضرت زینب سلام الله علیها نیز یکی از امام زادگان صاحب جلال و منقبت می باشد که تا مرز عصمت پیش رفته و (پناهی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۹) با حضور پرثمرشان در واقعه کربلا، الگوی مردم جهان شدند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۸۷؛ انصاریان، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۳۶۲) پس بر هر زن و مرد مسلمان واجب است که هم چون زینب کبری سلام الله علیها زندگی کرده و در همه شؤون حیات، حافظ شرف، غیرت، حمیت، عفت و تقوا باشد. (انصاریان، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۵)

مصیبتی که در کربلا جریان یافت بسیار سخت و جان فرسا بود. (ملکی تبریزی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳) و نقش حضرت زینب علیها السلام از عصر عاشورا به بعد تجلی بیشتری پیدا کرد و بیش از پیش برای پدر گرامی خود حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فخر و زینت گشتند.

کتابهایی نیز درباره سیره و زندگانی حضرت زینب سلام الله علیها نوشته شده است. (ر.ک: راوندی کاشانی، ۱۳۷۶، ص ۳۶۸ - ۳۶۷) پرداختن به همه ابعاد زندگانی ایشان و بررسی جمیع فضائل و مناقب ایشان ممکن نمی باشد؛ اما با این حال ما در این مقاله به بررسی منابع روایی و تاریخی پرداخته، و با تحلیل این روایات سعی در بازشناسی و ارائه سیمایی از شخصیت پر افتخار این بانوی جلیله سلام الله علیها کرده ایم.

نام و لقب حضرت زینب علیها السلام:

نام مبارک دختر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام زینب می باشد که زینب را مخفف «زین اب» دانسته‌اند، یعنی زینت پدر. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶؛ محدثی، ۱۴۱۸، ص ۲۲۴) و نام گذاری ایشان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و با القاء حضرت جبرئیل انجام گرفته است. (مغنیه، ۱۴۲۶ق، ص ۴۰۶)

حضرت به دلیل صفات بارز خود به القابی معروف بودند که معروفترین لقب حضرت زینب «عقیله بنی هاشم» بود. (المرعشی التستری، ۱۴۰۹، ج ۳۳، ص ۱۸۹) و از القاب دیگر ایشان: عقیله، عقیله الطالبیین، موثقه، عارفه، عالمه غیر معلمه، فاضله، کامله و عابده آل علی بود. (شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۶؛

طباطبائی، ۱۴۱۷، ص ۳۲۲؛ محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶؛ محدثی، ۱۴۱۸، ص ۲۲۴) که همه این القاب نشان از شأن و شخصیت والای ایشان دارد. به راستی که ایشان زینت بر همه آل و اجداد خود بودند.

زینب فرزند مبارک علی و فاطمه علیهما السلام:

حضرت زینب علیها سلام دختر بزرگ علی و فاطمه سلام الله علیهما بودند و در پنجم جمادی الاول سال پنجم هجرت در مدینه و پس از امام حسین علیه السلام به دنیا آمدند. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶؛ شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ خسروشاهی، ۱۴۲۷، ص ۱۸۶؛ ابن عربی، بی تا، ج ۱، ص ۶۷۵؛ مغنیه، ۱۴۲۶، ص ۴۰۵) در فضل ایشان همین بس که نوه رسالت بودند و (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۶) دختر حضرت فاطمه خیر النساء و حضرت امیر المومنین، خواهر دو امام، و عمه حضرت سجاد علیهم السلام بودند. (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۱۷؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۹۵۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۶؛ مغنیه، ۱۴۲۶، ص ۴۰۵؛ واقدی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۴۶۲) و مدت پنج سال با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده، و همه رفتار و حرکات ایشان همانند حضرت فاطمه سلام الله علیه بود؛ و حضرت بتول از نظر رفتار شبیه‌ترین فرد به پیامبر بودند. (خسروشاهی، ۱۴۲۷، ص ۱۸۷) بله این بانو پرورده دامن وحی و تربیت شده مکتب علی علیه السلام است. (پناهی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۲۵۵)

همسر و فرزندان حضرت زینب علیها السلام:

عبدالله بن جعفر همسر حضرت زینب سلام الله علیها بودند. ایشان در حبشه متولد شده و برادرزاده امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده و به دریای کرم و قطب السخاء ملقب شده بودند و با حضرت علی در جنگ صفین حضور داشتند. (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۲۷؛ شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۶؛ دولابی، ۱۴۱۸، ص ۱۶۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۷۱؛ انصاریان، ۱۳۸۶، ص ۳۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۱؛ انصاریان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲)

در مورد تعداد و نامها فرزندان حضرت زینب اقوال مختلفی وجود دارد. برای او پسرانی به نامهای علی، عون، اکبر، عباس و محمد؛ و دختری به نام ام کلثوم ذکر کرده اند. (واقدی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۴۶۲؛ ر.ک: شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۸؛ دولابی، ۱۴۱۸، ص ۱۶۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۷۱؛ طبری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۵۲)

از آنجا که حضرت زینب کبری بانوی فضل و ادب بودند، از پدر و مادر گرامی خویش و جد بزرگوارشان و همچنین برادران گرامیشان روایت نقل می کردند. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۰۶۳؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۰۷؛ شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۸؛ محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶؛ تجلیل تبریزی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۱۸؛ ابن قولویه، ۱۳۷۷، ص ۷۹۸؛ ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۹۳)

زینب کبری بانویی عالم و نیکو صفت:

حضرت زینب کبری سلام الله علیها در علم، حجاب و عفاف و فضایل، صدیقه صغرا بودند؛ و از نظر طهارت درون، معصوم از هر گناه و زشتی بودند. (جباری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۶؛ پناهی، ۱۳۸۹، ج ۳۸، ص ۱۲۱؛ انصاریان، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۹۳) و این به خاطر این بود که او تربیت یافته خانه ای بود که آکنده از علم بود، و پدر و مادر ایشان بهترین زوج جهان بودند. (خسروشاهی، ۱۴۲۷، ص ۲۰۳) و اگر صبر و سایر صفات نیکو در زندگی امام حسن، امام حسین و حضرت زینب علیهم السلام آن گونه زیبا و وصف ناشدنی تجلی یافت، اثر تربیت زهرا سلام الله علیه می باشد. (الهامی نیا، ۱۳۸۵، ص ۷۷؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۷۳)

حضرت زینب علیها السلام از ارزش احترام بسیار والایی در میان شیعیان برخوردار بودند؛ چنان که وقتی در واقعه کربلا، سلام زینب کبری را به حبیب بن مظاهر رسانیدند، حبیب کفی از خاک برگرفت و بر فرق خود پاشید و گفت: «من کیستم که دختر کبرای امیر عرب به من سلام رساند» (انصاریان، ۱۳۸۵، ص ۲۴۴؛ قطب راوندی، بی تا، ص ۱۲۱) زینب کبری سلام الله علیها به نماز بسیار اهتمام داشتند و حتی در شب یازدهم محرم، با آن همه رنج و خستگی و تحمل مصائب سخت، نماز شبشان ترک نشد. امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «شب یازدهم محرم، عمّه‌ام را دیدم که نشسته نافله شب می‌خواند.» (الهامی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹)

زینب کبری را «ام الشهداء» لقب داده اند چرا که (خسروشاهی، ۱۴۲۷، ص ۱۸۳) دو پسر حضرت زینب به نامهای محمد و عون، در کربلا به شهادت رسیدند. زینب کبری، هم دختر شهید بودند، هم خواهر شهید، هم مادر شهید، هم عمّه شهید. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶) و به شهادت افتخار می کردند. (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۵۶)

ایشان یاور راستین امام خود بودند و امام حسین علیه السلام بخشی از سنگینی بار امامت را به هنگام بیماری امام سجاد علیه السلام بر دوش زینب کبری سلام الله علیها نهادند و امام سجاد علیه السلام نیز او را در بیان احکام نیابت خاصه دادند و آن مخدّره را واسطه در بیان معارف و احکام الهی قرار دادند؛ و این کار برای رعایت اصل تسنن و تقیّه بود. از این رو می‌توان زینب کبری را برای مدتی، باب امام سجاد علیه السلام دانست. (جباری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۷) و چنین است که خداوند ذریه حضرت بتول را بر آتش حرام کرده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۲) و به راستی که دختری با این اوصاف و سجایا و فضائل زینت فخر برای پدر و مادر هست.

اندوه حضرت زینب قبل از واقعه کربلا:

در هنگام وفات حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت زینب حضور داشتند و با سایرین در خانه عایشه به عزاداری پرداختند. (سروقامت، ۱۳۸۵، ص ۵۶) بعد از آن داغ مادر را به سینه کشیده و در سالهای خلافت امام علی سلام الله علیه در کوفه، از سال ۳۵ هجری تا سال ۴۰، که با تلاطم ها و نا آرامی ها و فتنه ها همراه بود. پدر را همراهی نموده و (خسروشاهی، ۱۴۲۷، ص ۱۹۲) اندوه ضربت خوردن و شهادت پدر را با روح و جان خود لمس کرده (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۲۶۵) و بعد از دست دادن وی نیز غم‌دیده شهادت امام حسن علیه السلام گشتند و در همه این ناملایمات صبر و ایمان را پیشه خود کردند؛ و همین صبر و ایمانشان سبب عزت و احترام ایشان شد و زینت نفس پیامبر شدند.

عشق بر سالار شهیدان:

حضرت زینب عشق و احترام و ادب بسیاری را بر ولیّ و برادر خود ابراز می داشت و (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۷؛ شهید ثانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸؛ طبری، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۴۰؛ کوفی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰) امام حسین سلام الله علیه نیز در هنگام دیدار خواهر، به احترامش از جا برمی خاست و (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶) و قبل از آغاز جنگ در میدان کربلا زینب سلام الله علیها و دیگر زنان حرم را توصیه به صبر می نمود و فرمود: «ای اهل بیت من، شما را به صبر سفارش می کنم» (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۹۶۳؛ انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۲۲۲) چرا که زینب علیها السلام در نهضت کربلا همراه و هم‌دوش امام الحسین علیه السلام بود. (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۹۶۱؛ محدثی، ۱۴۱۸، ص ۲۲۴؛ کوفی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰) و در تداوم مسیری که حضرت زهرا علیها السلام در حمایت از امام معصوم علیه السلام، و افشاگری علیه رویه‌های ناسالم زمامداران داشتند؛ حضرت زینب علیها السلام نیز در نهضت کربلا دوشادوش امام حسین علیه السلام مشارکت نمودند و (پناهی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۲۰)

این علاقه و ارتباط قلبی دوجانبه بود؛ و این که امام حسین علیه السلام طفل شش ماهه تیر خورده را نزد زینب سلام الله علیها آورد، نشان از این ارتباط می باشد. (انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۳۵۰) پس از واقعه کربلا و به شهادت رسیدن سالار شهیدان، زینب سلام الله علیها پرچم عدالت خواهی و آزادگی برادرشان را برافراشته نگه داشتند. (خسروشاهی، ۱۴۲۷، ص ۱۹۸) ایشان در سوگ شهادت برادر ندای «یا محمداه و ...» سردادند. (مغنیه، ۱۴۲۶، ص ۴۰۶؛ خسروشاهی، ۱۴۲۷، ص ۱۹۷؛ دمشقی باعونی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۹۱) و هرگز طاقت دیدن بدن پاره پاره برادر را نداشتند. (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۴۸)

ایشان در خطبه معروف جود در کوفه در دفاع از برادر شهید خود، خطاب به مردم کوفه فرمودند: «...چگونه شسته می شود قتل پسر پیغمبر و سید جوانان اهل بهشت؟ شما کشتید کسی را که پناهگاه نیکانتان و دادرس در هنگام بلا و مصیبت تان بوده است. کسی که نشانه حجت‌های شما و جایگاه سنت شما بود...» (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۳) ایشان اشکشان هیچ‌گاه نمی خشکید و از گریستن، آرام نمی شدند و جز دو سال زنده نماندند تا اینکه روحشان به ملاّ اعلی پیوست. (جباری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۷)

حضرت زینب پس از ظهر عاشوری:

حضرت زینب پس از شهادت امام حسین علیه السلام نقش‌های بسیار مهمی را ایفاء کرده اند که در این مجال اندک به گوشه هایی از آن اشاره می شود:

۱. سرپرستی کاروان اسیران:

حضرت زینب سلام الله علیها سرپرست کاروان اسیران اهل بیت و مراقبت کننده از امام زین العابدین علیه السلام بودند. ایشان پس از عاشورا و در سفر اسارت، در کوفه و دمشق، خطابه‌های آتشینی ایراد کردند و رمز بقای حماسه کربلا و بیداری مردم گشتند. پس از بازگشت به مدینه نیز، در مجالس ذکری که برای شهدای کربلا داشتند، به سخنوری و افشاگری می پرداخت. وی به «قهرمان صبر» شهرت یافتند. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶) بله

ایشان هم از اسرا و امام چهارم پرستاری کردند و هم نهضت امام حسین علیه السلام را از نابودی و فراموشی نجات دادند.

حضرت زینب سلام الله علیها، با وجود مسئولیت بزرگ کاروان کربلا و ابلاغ پیام آزادی و آزادگی عاشورا و در اوج مصیبت‌های جانکاه و جانسوز، پرستاری حضرت سجاد علیه السلام را، که بنا به مصلحت الهی در واقعه کربلا بیمار، بود بر عهده داشتند. (قاسمیان، ۱۳۸۳، ص ۸۳؛ کوفی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰؛ ابن قولویه، ۱۳۷۷، ص ۲۶۱) پرستاری حضرت زینب کبری در کربلا به لحاظ این که در بحرانی‌ترین اوضاع، به بهترین وجه انجام گرفته است، از زیباترین جلوه‌های پرستاری به شمار می‌رود و الگویی تمام عیار برای همه پرستاران است. (قاسمیان، ۱۳۸۳، ص ۸۳)

در مجلس ابن زیاد، وقتی جان امام چهارم به خطر افتاد، زینب علیها السلام با شهامت برخاست و امام سجاد سلام الله علیه را در آغوش گرفتند و به عبیدالله گفتند: «اینکه همه مردان ما را کشته‌ای کافی نیست؟! آیا می‌خواهی آخرین یادگار اهل بیت علیهم السلام را نیز بکشی؟! هرگز نمی‌گذارم چنین کنی، مگر نخست مرا بکشی!» (الهامی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷؛ ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۵۷) و زینب کبری که موجب مباحثات پدرشان علی بن ابی طالبند، با فداکاری‌های خود جان امام را نجات دادند.

۲. شجاعت زینب سلام الله علیها در دفاع از ولایت:

شجاعت خصیصه ارثی خاندان عصمت هست. وقتی عبید الله فرمان قتل علی بن حسین علیه السلام را صادر کرد، عمه گرامیش زینب کبری، با شجاعت از جا برخاستند و با خطاب خودشان مانع از شهادت وی شدند. (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۱؛ مقررّم، ۱۴۲۶، ص ۳۲۶؛ امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۱۴) و نیز حضرت برای روشنتر شدن مقام والای امامت، با صراحت به تبیین این مقام الهی پرداخته و چنین برشمردند: (۱) امام باید از خاندان نبوت باشد، (۲) رهبر اهل بهشت باشد... و این تعلیمات عالیّه را زینب سلام الله علیه با شفافیت برای مردم اعلام نمودند. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۷؛ امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۱۴) (مقررّم، ۱۴۲۶، ص ۳۲۶)

زینب کبری با نطقی آتشین و پرمعنا، انقلاب پس از انقلاب را آغاز کردند و اولین نتیجه خطبه هایشان این بود که خاندان نبوت را از خطر بزرگی که آنان را تهدید می‌کرد، نجات دادند؛ زیرا در هر آنی ممکن بود پسر زیاد بدطینت، فرمان قتل عام آنها را صادر کند و یا ذریه رسول را به بردگی بگیرد و به بازارهای دور دست کفار بفرستد تا فروش روند و تار و مار گردند، ولی زینب چنان ماهرانه و مؤثر و شجاعانه نطق کرد که مردم کوفه را فرسنگها از حکومت بد بنیاد اولاد زیاد عقب راند. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۶؛ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۱۴؛ قرشی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۳۵) بله ایشان در مقابل یزید و سایر جنایت کاران قدرت کلام خود را نشان دادند. (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۷؛ ابن طاوس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹؛ بدایع نگار، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵) چرا که این بانوی بزرگ، دارای قوت قلب، فصاحت زبان، شجاعت، زهد و ورع، عفاف و شهامت فوق العاده بودند. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶) و قهرمان کربلا، دختر گرامی و خردمند علی و عقيله آل هاشم، با صراحت و شهامت، پاسخ یاهوسرایبهای یزید، و

عبید الله را ابراز داشتند. (خلجی، بی تا، ج ۲، ص ۶۱؛ دمشقی باعونی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۹۲؛ حسینی طهرانی، بی تا، ص ۶۱۱؛ ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۹۸؛ جزایری، ۱۳۸۱، ص ۳۷۰) و با صراحت و شجاعت خود، یاد علی بن ابی طالب علیه السلام را در خاطرها زنده کردند.

۳. مباحثات به رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با زینب بسیار مهربان بود و او به لطف و رحمت برخورد می کرد و خواندند وی را نور نبوت و حکمت بخشیده بود. (مغنیه، ۱۴۲۶، ص ۴۰۶) حضرت زینب وقتی شروع به سخن کردند ابتدا نسب خویش را معرفی نمودند و فرمودند: «الحمد لله و الصلاة علی ابی محمد و آله الطیبین الاخیار، سپاس می گزارم خدای را و درود می فرستم بر پدرم محمد و خاندان پاک او». (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰) و با این بیان به رسول خدا مباحثات کردند. و هنگامی که عبید الله بن زیاد گفت: «حمد خدایی را که شما را رسوا کرد و به کشتن داد و داستان شما را تکذیب کرد» پس زینب سلام الله علیها در جواب وی فرمودند: سپاس خدای را که ما را به وسیله پیامبر خویش محمد صلی الله علیه و آله گرمی داشت و از پلیدی دور گردانید و به کمال پاکی رسانید. فاسق است که رسوا می شود و بدکار است که تکذیبش می کنند و چنین فردی ما نیستیم. (عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۰؛ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۱۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۸؛ کرکی حائری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۵۳؛ مقرر، ۱۳۸۱، ص ۳۲۶)

۴. سرکوبی و نکوهش دشمن:

حضرت زینب از فرصتی برای سرکوبی و افشاء چهره پلید دشمن بهره می برد. چنان که ابو منصور طبرسی در «احتجاج» می گوید: خطبه زینب دختر علی بن ابی طالب علیه السلام در حضور مردم کوفه، سرکوبی و نکوهش آنان بود. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۲؛ ابن طاوس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹؛ دمشقی باعونی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۹) چرا که آنان با جهالت و نادانی و دشمنی خود باعث این فاجعه شدند. این خطبه که در برابر دشمنان خونخوار از حنجره زنی اسیر و گرفتار بیرون آمده است، اگر از سرداری نیرومند و امپراطوری ارجمند هم بود مایه بسی شگفت و خیره کننده خطیبان زبردست بود. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۵؛ کرکی حائری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۵۳)

هنگامی که شیرزن کربلا، ابیات یزید را شنید، که نشان دهنده شادمانی وی از کشتن عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، به انتقام کشتگان بدر بود، برخاست تا او را نهیب دهد و تکبرش را در هم بکوبد. (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۵۲) او در قسمت اول خطبه، سوء تأثیر حکومت ستمکار معاویه را در مردم تشریح کرده و فرموده است: چون حکومت ناحق با نیروی خود بر بشر مسلط شود، چگونه سیرت فرشته مآب او را دیگرگون سازد و این انسان شریف را در منجلاب اخلاق فاسد سرنگون کند، خرد و ایمان او را بدزدد. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۴؛ ابن طاوس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹؛ بدایع نگار، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵؛ ر.ک: بیضون، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۴۷۶)

بانوی خطبه های ناب با جملاتی همانند: «ما رأیت الا جمیلا» و «...سیجمع الله بینک و بینهم فتتجاجون و تتخاصمون عنده و ان لک یا بن زیاد موقفا فاستعد له جوابا و انی لک به ثکلتک امک یا بن مرجانه» یعنی: «اما به

زودی پروردگار بین تو و آنان در دادگاه عدل خود جمع می‌کند و در آنجا تو را به محاکمه می‌کشند. ای فرزند زیاده! برای تو در آن روز موقفی است که باید برای جواب دادن آماده باشی، ولی چگونه می‌توانی به این گناه عظیم پاسخ ندهی؟ ای زاده مرجانه! مادر بر تو بگریه! «دشمن نیرومند خود را کوبید و این نهیب کوبنده زینب چنان در مجلس طنین انداختند که دلها را پر از هول و هراس کردند و عبیدالله را در برابر بزرگان و اشراف کوفه سخت خوار و حقیر نمودند. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۸)

شیرزن کربلا با منطق صداقت و صدای حقانیت، آنان را کوبیدند و به اشکهای دروغینشان فریفته نشدند و جنایت زشتشان را بر آنان یادآور شدند و آنان را با بدترین صفاتی توصیف کردند که فرومایه‌ترین ملتها به آن وصف می‌شوند؛ ایشان آنان را به نیرنگ و پیمان‌شکنی توصیف نمودند؛ که این دو، سرچشمه انحطاط و شقاوت انسان می‌باشند. (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۰۱) حضرت زینب خطاب به یزید گفتند: من تو را پست و کوچک و شایسته هرگونه تحقیر می‌دانم. هر آنچه می‌خواهی انجام بده، ولی به خدا سوگند که نور خدا را نمی‌توانی خاموش کنی. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۵۸)

۵. توکل و توجه به خداوند:

حضرت زینب در کربلا و پس از آن نقشی فعال داشتند و با یقین قلبی به درستی راه، و ایمان و توجه به پروردگار در صحنه بودند. (ر.ک: کوفی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸؛ انصاریان، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳؛ احمدی بیرجندی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴) ایشان در عصر عاشورا بدن قطعه قطعه شده برادرشان امام حسین علیه السلام را دیدند و با ایمانی که به خداوند داشتند از صمیم قلب فرمودند: «خداوندا این قلیل را از ما قبول کن» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۶۴)

حضرت علی علیه السلام در جنگ احد فرمودند: «شرکت در جبهه از مواردی است که باید شکر آن را انجام داد. «و لکن من مواطن البشري و الشکر» و دختر او حضرت زینب علیها السلام در پاسخ جنایتکاران بنی‌امیه فرمود: «آنچه در کربلا دیدم، جز جمال و زیبایی از خداوند چیزی نبود». آری ایمان و تقوا انسان را در برابر هر حادثه بیمه کرده و کار روان و آسان می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۵۶) باید گفت مبنای شهادت طلبی امام حسین علیه السلام، بینش والا و اطمینان به خداوند بود و زینب عزیز، این زیبایی را مشاهده می‌کرد و این منطق و مرام را می‌ستود. (پناهی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۲۵۳)

کسیکه در مکتب ایمان پرورش یافته باشد، از ناملایمات زندگی، آشفته احوال و پریشان نمی‌گردد. (علیزاده، ۱۳۸۹، ص ۸۳) حضرت زینب علیها السلام بعد از حوادث کربلا فرمودند: من به جز زیبایی چیزی ندیدم، «و ما رأیت الا جمیلا» و امام حسین علیه السلام در گودال قتلگاه و در آخرین لحظات زندگیشان فرمودند: خداوندا راضی هستم به حکم تو و بردبارم بر بلا و امتحان تو، «رضا بقضائک، صبرا علی بلائک» و امام علی علیه السلام اشتیاق و انس خود را به شهادت از انس کودک به سینه مادر بیشتر می‌داند. «و الله لا بن ابی طالب انس بالموت من الطفل بئدی امه» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۸۱) به راستی که همه فرزندان حضرت امیر المومنین زینت او هستند و زینب زیباترین زینت‌ها است.

۶. اهمیت حجاب در بیان زینب سلام الله علیها:

بانو زینب مظهر عفت بودند و هرگز حضور در مقابل نامحرمان را خوش نداشتند و هنگامی که به عنوان اسیر به کاخ وارد شدند خطاب به آنان فرمودند: «...یا ابن الطلقاء این از عدالت و دعوی اسلام است که زنان و کنیزان خود را در پس پرده مستور گردانی و بنات رسول صلی الله علیه و آله را و فرزندان فاطمه بتول علیها السلام را در سلک سبایا و اساری منخرط و مشهور گردانی و هتک ستور عصمت ایشان و وجوه محجوبه عفت این محتجبات حرم محترم سید البریات را ظاهر و غیر مستور نمودی. ... شما می دانید کدام پرده نشینان عصمت را از پرده بیرون افکندید؟!...» (طبرسی، ابی تا، ج ۳، ص ۱۷۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بدایع نگار، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۳)

و همچنین برای قهرمان کربلا، سخن گفتن با هر نامحرمی به خصوص فرزند زیاد، که از ناپاک ترین عمال و نوکران زاده معاویه بود، بسیار ناراحت کننده بود. از این نظر در برابر یاوه گوییهای وی پاسخی بسیار کوتاه می داد. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۷)

۷. استناد به قرآن:

خطبه های زینب علیها السلام، همچون کلام بلیغ علی علیه السلام، پر از استشهدای قرآنی می باشد؛ مثلاً: «فقامت زینب بنت علی علیه السلام فقالت: الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی رسوله و آله أجمعین. صدق الله سبحانه کذلک حیث یقول «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ» (روم، ۱۰) ... و سلطاننا فمهلا لا تطش جهلا أ نسیت قول الله تعالی: «و لا یحسبنَّ الذین کفروا أنما نملی لهم خیرٌ لأنفسهم إنما نملی لهم لیزدادوا إثمًا و لهم عذابٌ مهینٌ» (آل عمران، ۱۷۸) ...» (امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۱۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۸؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۸۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸، ج ۶، ص ۱۵۵؛ طبرسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۱؛ امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۹۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۳)

۸. دلسوز و بی تاب مردم:

آثار بد جنایت دشمنان اهل بیت، بزرگ و ریشه دار و عمومی بود؛ و شیون و افسوس زینب، نه از این بود که برادران خود را از دست داده و به اسارت افتاده است؛ بلکه او بر یک موج بی پایان تأسف بر حال ملت اسلامی و مردم کوفه گرفتار است و می نگرد که با کشتن حسین علیه السلام وضع عالم اسلامی به کجا کشیده شده است و کاخ عدالت عمومی فرو ریخته، دیگر این مردم روی آسایش نخواهند دید. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۶؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۸۴؛ ابن طاوس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸، ج ۶، ص ۱۵۵؛ هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰) زینب در خطبه غم بار و آتشین خود بر دروازه کوفه، مردم خفته کوفه را بیدار کردند؛ مردمی که با افسونگریهای حکومت، گویا در خواب مرگباری فرو رفته بودند و نمی دانستند چه جنایت بزرگی را فرزند معاویه با دست آنان انجام داده است. دختر امیر المؤمنین علیه السلام، فاجعه دردناک کربلا را، که با دست

همان مردم بی‌فضیلت انجام یافته بود، بی‌پرده و سوزناک بیان نمودند و آنها را بر انجام آن، سخت نکوهش و توبیخ کردند. ایشان مردم را بیدار کردند. نتیجه این دلسوزی و بیدارگری این شد که عاقبت آنان بیدارگشته و به خون‌خواهی حسین سلام الله علیه قیام کردند. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۳)

۹. خطبه خوانی دختر همانند خطبه خوانی پدر:

خود زینب از فصاحت و ادب برخوردار بود. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶) حذام اسدی گوید: به خدا سوگند من هرگز بانوی با شرمی ندیدم که از او سخنورتر باشد، گویا از زبان امیر المؤمنین علیه السلام سخن به قالب می‌ریخت. به مردم اشاره کرد گوش کنند، نفسها در سینه‌ها برگشتند و زنگها خاموش شدند و پس از ستایش خدا و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اما بعد، ای اهل کوفه، ای اهل لاف زدن و پیمان گسستن و عقب کشیدن، هلا گریه‌ها نیارآمد و ناله‌ها فرو ننشیند، همانا مثل شما مثل آن زنی است که رشته محکم خود را و اتابد و شما پیمان خود را وسیله دغلی سازید، ...» (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۲) (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۳) (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸، ج ۶، ص ۱۵۵)

سخنان حضرت زینب شباهت بسیاری به گفتار حضرت علی علیه السلام دارد؛ مخصوصاً از نظر صنعت سجع که در سخنان علی سلام الله علیه دیده می‌شود و ایشان به سجع گوئی شناخته بوده است. (دشتی، ۱۳۷۸، ص ۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۳؛ مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۰۱-۴۰۲؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۲۷۷) کسانی که با ادبیات عرب آشنا هستند، درمی‌یابند که این خطبه چقدر ارزشمند است. به عقیده ما حضرت زینب علیها السلام از بازار آشفته کوفه دست‌گشود و پایه‌های تخت و تاج حکومت یزید را در شام به لرزه درآورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۷۳)

دختر امیر المؤمنین علیه السلام در شرایطی سخن می‌گویند که اولاً در حال اسارت هستند و ثانیاً ده هزار مرد مسلح، سخت بر مردم و شهر نظارت دارند. به این ترتیب، آن بانوی بزرگ سایه شوم و سهمگین قدرتِ پسرِ زیاد را به خوبی بر سر خود احساس می‌کردند. رعب و ترس بر فضا حاکم بود از سکوت و آرامش خبری نبود. کوفیان به او نظر منفی داشتند و با حقارت می‌نگریستند و گرسنگی و تشنگی و غم اندوه موجب رنج ایشان بود و در مقابل او مناظر غم‌انگیزی وجود داشت؛ ولی با همه این مشکلات، زیباترین خطبه را ایراد می‌نمایند و مانند پدرشان علی بن ابی طالب علیه السلام فصاحت و بلاغت و تأثیرگذاری را به اوج می‌رسانند. بله آن بانوی قهرمان تصمیم گرفتند از این فرصت بزرگ استفاده کنند و حادثه دردناک عاشورا را که سند رسوایی حکومت یزید بود، با بیانی آتشین و گرم با مردم در میان بگذارند. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰-۲۰۱)

شرح خطبه زینب سلام الله علیها را کتابی بزرگ در خور است، بلاغت و شیوایی و شهامت و توانائی آن را جز با همین عبارت نتوان ادا کرد، چرا که گله و انتقاد و موعظه و ارشاد، موشکافی اخلاق فاسد و اسباب فساد در آن به وجه بلیغی بیان شده است. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۴؛ ابن طاوس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸، ج ۶، ص ۱۵۵؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۴)

در حقیقت حضرت زینب سلام الله علیها در مقابل دروازه کوفه با خطبه خود، شجاعت علی علیه السلام و حیای فاطمه علیها السلام را در هم می آمیزد و خطابه های عالی علوی را به یاد مردم می آورد. این است زنی که اسلام می خواهد. (پناهی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۱۹) و همه به ایشان مباحث کرده و ایشان را زینت اسلام و قرآن می دانند. سایر سخنان حضرت نیز بسیار بلیغ و فصیح و زیبا بود. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۸۴؛ ابن طاووس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹؛ طبرسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۴)

۱۰. پیام رسان خون شهدای کربلا:

عصر عاشوری مظهر خون و شهادت بود و رهبری و پرچم داری نیز بر عهده سالار شهیدان قرار داشت. پس از عاشوری، پرچم بر دوش امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام قرار گرفت. آنان با سخنان آتشین خود، پیام انقلاب و شهادت سرخ حضرت سیدالشهدا و یارانش را به آگاهی افکار عمومی رسانیدند و طبل رسوایی حکومت پلید اموی را به صدا درآوردند. (پناهی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۲۱) و تحریفات چندین دهه بنی امیه خنثی شد. (پناهی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ الهامی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴؛ جزایری، ۱۳۸۱، ص ۷۵۸؛ خلجی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۵؛ جزایری، ۱۳۸۱، ص ۷۶۹؛ مکارم شیرازی، بی تا، ص ۲۷۷)

بله، زینب کبری سلام الله علیها، پیامبر خون شهدای کربلا بودند و همراه حسین علیه السلام در نهضت خونین عاشورا حضور داشتند. بارزترین بُعد زندگی حضرت زینب سلام الله علیهما، پاسداری از فرهنگ عاشورا می باشد که با خطابه های آگاهی بخش خود، پیام خون حسین سلام الله علیه را به جهانیان رساندند. درباره این رسالت حضرت زینب کبری، نوشته ها و سروده های بسیاری موجود است. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶) و همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده است؛ چرا که ایشان حامل پیام خونهای ریخته بر زمین کربلا بودند. (محدثی، ۱۴۱۸، ص ۲۲۴)

باید گفت انقلاب خونین و سهمگینی که کوفه به رهبری مختار و سلیمان بن سرد، علیه دستگاه بیدادگر به وجود آوردند، چیزی جز ثمره ای شیرین برای خطابه آتشین و گرم زینب نبوده است. اینجاست که ما به ارزش حیاتی خطبه از نظر نهضت پی می بریم و نقش عظیم آن را در بیداری افکار و توجه دادن آن به خاندان پیغمبر و ایجاد خشم و غضب در دل های مردم نسبت به خاندان آل امیه را به خوبی درک می نماییم و می دانیم که اگر آن خطبه شورانگیز نبود، هیچ گاه قیام ضد استبدادی در کوفه به ثمر نمی رسید. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۵) حضرت زینب هم زینت و افتخار پدر و مادر و جد خویش بودند و هم مایع مباحثات همه مسلمین و انسانهای آزاده هستند؛ چرا که قهرملن انسانیت و آزادگی و شجاعت هستند.

سیده زینب در پانزده ماه رجب سال ۹۳ یا ۹۵ هجری وفات یافته اند. قبرشان در زینبیه در سوریه کنونی قرار دارد. (محدثی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۶)

حضرت صاحب الامر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با علم به جایگاه رفیع زینب علیها السلام فرموده اند: «به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را به حق عمه ام حضرت زینب کبری سلام الله علیها قسم دهند تا فرج

مرا نزدیک گرداند». (جزایری، ۱۳۸۱، ص ۸۶۴) از آنجا این بانو در نزد خداوند آبرویی وجیه دارند، پس خدای را به حق زینب والا مقام و جلیل القدر قسم می دهیم که فرج مولایمان را نزدیک بگرداند. «أن شاء الله»

نتیجه گیری:

حضرت زینب کبری سلام الله علیها دختر علی و فاطمه علیهما السلام می باشند و ملقب به عقیده هاشمی بوده، و دارای علم و فضیلت بسیارند. ایشان از دوران کودکی درآشنا بودند و عاشق امام زمان خود بوده، بانویی والا مقام بودند که همیشه یار و یاور ولایت بودند و به راستی که زینتی بسیار نیکو برای ابو طالب علیه السلام بودند. ایشان در واقعه کربلا و پس از ظهر عاشوری نقش تاریخی خود را ایفاء کردند؛ این بانو سرپرستی کاروان اسیران را برعهده گرفته، و به نیکویی از آنها و امام سجاد علیه السلام پرستاری و دفاع کردند. شجاعت زینب سلام الله علیها در دفاع از ولایت، ایراد خطبه های علی وار، سرکوبی و نکوهش دشمن و ابلاغ پیام خونهای پاک کربلا بسیار ستودنی و بی مانند بود و به راستی که ایشان هم زینت اهل بیت بودند و هم زینت اسلام و هم زینت انسانیت و آزادانگی بودند.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، مترجم: ذهنی تهرانی، مومنین، قم، اول، ۱۳۸۰ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، متن و ترجمه معانی الأخبار، مترجم: محمدی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، دوم، ۱۳۷۷ش.
۴. ابن حیون تمیمه مغربی، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، اول، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن طاوس، علی بن موسی، لهوف، مترجم: میر ابوطالبی، سید ابوالحسن، دلیل ما، قم، اول، ۱۳۸۰ش.
۶. ابن عربی، محمد بن علی، الفتوحات المکیه، دار صادر، بیروت، اول، بی تا.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ترجمه کامل الزیارات، مترجم: ذهنی تهرانی، پیام حق، تهران، اول، ۱۳۷۷ش.
۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، المطبعه المرتضویه، نجف اشرف، اول، ۱۳۵۶ق.
۹. احمدی بیرجندی، احمد، مناقب و مرآتی اهل بیت علیهم السلام، آستان قدس رضوی، مشهد، سوم، ۱۳۸۴ش.
۱۰. امین عاملی، سید محسن، أعیان الشیعه، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۱. امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان، مترجم: حجتی کرمانی، علی، سروش، تهران، دوم، ۱۳۷۶ش.
۱۲. انصاریان، حسین عرفان اسلامی، تفسیرمصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، دار العرفان، قم، اول، ۱۳۸۶ش.
۱۳. انصاریان، حسین، الاسره و نظامها فی الاسلام، انصاریان، قم، اول، ۱۳۸۳ش.
۱۴. انصاریان، حسین، زیبایی های اخلاقی، دار العرفان، قم، سوم، ۱۳۸۶ش.
۱۵. انصاریان، حسین، عبرت آموز، دار العرفان، قم، دوم، ۱۳۸۵ش.
۱۶. الهامی نیا، علی اصغر، سیره اخلاقی معصومین، زمزم هدایت، قم، اول، ۱۳۸۵ش.
۱۷. بحرانی اصفهانی، شیخ عبد الله، عوالم العلوم و المعارف، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۸. بدایع نگار، محمد ابراهیم نواب، فیض الدموع شرح زندگانی و شهادت امام حسین علیه السلام، هجرت، قم، اول، ۱۳۸۴ش.
۱۹. بیضون، لیبیب وجیه، موسوعه کربلاء، مؤسسه الاعلمی، بیروت، اول، ۱۴۲۷ق.

۲۰. پناهی، علی احمد، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، دفتر نشر معارف، قم، شانزدهم، ۱۳۸۹ش.
۲۱. تجلیل تبریزی، ابو طالب، معجم المحاسن و المساوی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، اول، بی تا.
۲۲. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی قدس سره، قم، اول، ۱۳۸۲ش.
۲۳. جزایری، نعمت الله بن عبد الله، النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین، مترجم: مشایخ، فرحان، تهران، اول، ۱۳۸۱ش.
۲۴. حسینی طهرانی، محمد حسین، روح مجرد، یادنامه موحد عظیم و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد، علامه طباطبائی، مشهد مقدس، نهم، بی تا.
۲۵. خامنه‌ای، علی، نکته های ناب، گزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب در جمع دانشجویان و دانشگاهیان، دفتر نشر معارف، قم، هفتم، ۱۳۸۸ش.
۲۶. خسروشاهی، سید هادی، أهل البيت فی مصر، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامیة- المعاونیة الثقافیة، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیة، تهران، اول، ۱۴۲۷ق.
۲۷. خلجی، محمد تقی، اسرار خاموشان، بی جا، بی تا.
۲۸. دشتی، محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شهیدی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چهاردهم، ۱۳۷۸ش.
۲۹. دمشقی باعونی، محمد بن احمد، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم، اول، ۱۴۱۵ق.
۳۰. دولابی، ابوبشر، الذریة الطاهرة، جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۱۸ق.
۳۱. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، مترجم: صادقی اردستانی، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیپور، تهران، اول، ۱۳۷۶ش.
۳۲. رفیعی، علی، سیره اخلاقی- تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام، بی جا، بی تا.
۳۳. سروقامت، حسین، بانوی آب و آفتاب: طرحی نو در کتابشناسی حضرت زهرا علیها السلام، دفتر نشر معارف، قم، اول، ۱۳۸۵ش.
۳۴. شبر، جواد، ادب الطف أو شعراء الحسین علیه السلام، دار المرتضی، بیروت، اول، ۱۴۰۹ق.
۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، آرام بخش دل داغدیدگان، روح، قم، دوم، ۱۳۸۰ش.
۳۶. طباطبائی، عبد العزیز، أهل البيت فی المكتبة العربیة، آل البيت، قم، اول، ۱۴۱۷ق.
۳۷. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، پنجم، ۱۳۷۴ش.
۳۸. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مترجم: غفاری مازندرانی، نظام الدین احمد، مرتضوی، تهران، اول، بی تا.
۳۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مرتضی، مشهد، اول، ۱۴۰۳ق.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، مترجم: عطاردی، عزیز الله، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ق.
۴۱. طبری، احمد بن عبدالله، الرياض النضرة فی مناقب العشرة، دار الکتب العلمیة، بیروت، دوم، ۱۴۲۴ق.
۴۲. طبری، محب الدین، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم السلام، مکتبة القدسی، قاهره، اول، ۱۳۵۶ق.
۴۳. عسقلانی، ابن حجر، الإصابة فی تمییز الصحابة، دار الکتب العلمیة، بیروت، اول، ۱۴۱۵ق.
۴۴. عزیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم، دفتر نشر معارف، قم، اول، ۱۳۸۹ش.
۴۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، اول، ۱۴۰۶ق.
۴۶. قاسمیان، حسن، احکام بیماران، پزشکان و پرستاران، زمزم هدایت، قم، اول، ۱۳۸۳ش.
۴۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، اول، ۱۳۸۸ش.
۴۸. قرائتی، محسن، سیره پیامبر اکرم صلی الله وسلم با نگاهی به قرآن کریم، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، دهم، ۱۳۸۶ش.

۴۹. قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام الحسین علیه السلام، مدرسه علمیه ایروانی، قم، چهارم، ۱۴۱۳ق.
۵۰. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، مکارم الاخلاق النبوی و الائمه، مکتبه و دار مخطوطات العتبه العباسیه المقدسه، کربلا، معلی، اول، بی تا.
۵۱. قمی، شیخ عباس، در کربلا چه گذشت، مترجم: کمره‌ای، مسجد جمکران، قم، چهارده، ۱۳۸۱ش.
۵۲. کرکی حائری، سید محمد، تسلیة المجالس و زینة المجالس، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، اول، ۱۴۱۸ق.
۵۳. کوفی، ابومخنف، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، مترجم: سلیمانی، جواد، مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی قدس سره، قم، دوم، ۱۳۸۰ش.
۵۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، اسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۶۳ش.
۵۵. مجلسی، محمد تقی، حیاة القلوب، سرور، قم، ششم، ۱۳۸۴ش.
۵۶. مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت امام حسین علیه السلام، مترجم: نجفی، محمدجواد، اسلامیة، تهران، سوم، ۱۳۶۴ش.
۵۷. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، نشر معروف، قم، دوم، ۱۴۱۷ق.
۵۸. محدثی، جواد، موسوعة عاشوراء، دار الرسول الأکرم، بیروت، اول، ۱۴۱۸ق.
۵۹. المرعشی التستری، القاضی نور الله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، اول، ۱۴۰۹ق.
۶۰. مغنیه، محمدجواد، الحسین و بطله کربلاء، دار الكتاب الإسلامی، قم، اول، ۱۴۲۶ق.
۶۱. مقرّم، عبد الرزاق، مقتل الحسین علیه السلام مقرّم، مترجم: عزیز الهی کرمانی، محمد مهدی، نوید اسلام، قم، اول، ۱۳۸۱ش.
۶۲. مقرّم، عبد الرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، المقرّم، مؤسسه الخرسان للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۶۳. مقریزی، تقی الدین، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، دار الکتب العلمیة، بیروت، اول، ۱۴۲۰ق.
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر، امثال القرآن، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، سوم، بی تا.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، سی و دوم، ۱۳۷۴ش.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر، مثالهای زیبای قرآن، نسل جوان، قم، اول، ۱۳۸۲ش.
۶۷. ملکی تبریزی، جواد بن شفیع، اسرار الصلوة، آزادی، تهران، هشتم، ۱۳۷۲ش.
۶۸. نواب بدایع نگار، محمد ابراهیم، فیض الدموع شرح زندگانی و شهادت امام حسین علیه السلام، هجرت، قم، اول، ۱۳۸۴ش.
۶۹. هاشمی نژاد، شهید سید عبد الکریم، درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت، آستان قدس رضوی، مشهد، اول، ۱۳۸۲ش.
۷۰. واقدی، ابن سعد کاتب، طبقات کبری، مترجم: مهدوی دامغانی، محمود، فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۴۱۸ق.
۷۱. جمعی از نویسندگان، با کاروان حسینی، مترجم: بینش، عبدالحسین، زمزم هدایت، قم، دوم، ۱۳۸۶ش.
۷۲. جمعی از نویسندگان، مع الרכب الحسینی، تحسین، قم، دوم، ۱۴۲۸ق.